

رضایی، علاوه بر آموزش قرآن، پاسخ‌گوی احکام شرعی است. «تا به حال به حوزه علمیه چمن‌آباد، حوزه علمیه چناران، دانشگاه تربت حیدریه و مدارس زیادی برای تدریس رفته‌ام. حدود ۵ سال در زندان به عنوان مبلغ خدمت کردم و حالا دوباره حدود ۴ ماه است که با شروع فعالیت این گروه جهادی، برای کمک و مشاوره زندانیان می‌روم.»

✚ فعالیت ۶ کارگروه در گروه جهادی

گروهی که رضایی در مشهد عهده‌دار آن است بر مبنای طرحی کشوری شکل گرفته است که یک گروه جهادی وارد زندان شود و در حوزه‌های تخصصی مختلف خدمات ارائه بدهد. این گروه متشکل از طلبه‌ها و افرادی است که تحصیلات دانشگاهی دارند و به صورت مکمل هم کار می‌کنند. «کارگروه روان‌شناسی، فرهنگی، پزشکی، اقتصاد و اشتغال، مددکاری و قضایی داریم که هر کدام از این‌ها یک مسئول و زیرمجموعه‌هایی دارد. هم‌اکنون ۶۲ نفر در این گروه مشغول به کار هستند که ۴۰ نفر از آن‌ها به داخل زندان رفت‌وآمد می‌کنند و مابقی سایر امور را انجام می‌دهند.»

✚ محرومیت در «بند»

«مطاف عشق» نام گروه آن‌ها به معنای محل طواف است. هدف آن‌ها توانمندسازی بانوان آسیب‌دیده است که رضایی اعتقاد دارد، شاید محروم‌ترین افراد، کسانی باشند که در بند هستند زیرا به جایی یا چیزی دسترسی ندارند. «موردی داشتیم که یکی از زندانیان با ما مشکلات زندگی‌اش را در میان گذاشت و گفت که دختر شانزده‌ساله او در خانه و با ناپدری‌اش زندگی می‌کند. وقتی به خانه‌شان رفتیم، متوجه شدیم که دایی و ناپدری این دختر اعتیاد دارند و متأسفانه به گفته همسایه‌ها، گاهی این دختر را مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند. بچه کوچک دیگری نیز که گویا بچه یک خریدار مواد مخدر بود در این خانه بود. از او رزئیس اجتماعی ۱۲۳ و نیروی انتظامی نیز کمک خواستیم و توانستیم آن دختر و بچه کوچک را نجات دهیم که این اقدام به همت کارگروه مددکاری اتفاق افتاد. خانم دیگری که باردار و زندانی بود، متوجه شدیم ۹ بچه کوچک‌تر از ۱۳ سال در خانه دارد. وضعیت این خانواده طوری بود که در فقر مطلق زندگی می‌کردند. خوشبختانه با کمک خیران برای آن‌ها ارزاق تهیه کردیم.»

✚ اشتغال‌زایی برای زنان بی‌سرپرست

کارگروه اقتصادی این گروه سعی می‌کند برای زنان پس از آزادی از زندان، کاری فراهم کند تا دوباره جرمی مرتکب نشوند. برای نمونه، به دست زنان بی‌سرپرست لباس‌هایی دوخته شده است و قرار است با برپایی غرفه در باغ خاتون به فروش برسد. علاوه بر این، آن‌ها می‌خواهند تولیدی راه بیندازند تا زندانیانی که آزاد می‌شوند، در آنجا مشغول به کار شوند. «ضمن اینکه ما در سایر کارگروه‌ها با مددجویان صحبت می‌کنیم و تغییر رفتار را در آن‌ها می‌بینیم. این تغییرات حتی اگر مقطعی باشد، در حال انجام است، اما لازم است که مسئولان در بیرون از زندان به ما بیشتر کمک کنند تا زمینه برای ارتکاب دوباره جرم فراهم نشود.»

✚ صبوری، اولین شرط فعالیت در این گروه

خصوصیت اصلی بانوانی که برای کمک‌رسانی به زندانیان دور هم جمع می‌شوند صبوری است. آن‌ها باید روحیه‌ای قوی داشته باشند زیرا هر روز و هر لحظه درگیر جزئیات پرونده‌هایی هستند که حتی شنیدن آن خوشایند نیست، چه برسد به پیگیری و مشاهده وضعیت آن خانواده. «به یاد دارم که نیمه‌شب، دختری یازده‌ساله از روستاهای اطراف خواب با من تماس گرفته بود و از پدر و مادرش گله‌مند بود که او را عروس کرده و مانع تحصیل او شده بودند. با وجود تعصباتی که درباره طلاق در خانواده‌های سنتی و قدیمی وجود داشت،

صحبت با پدر و مادر این دختر و راضی کردن آن‌ها برای طلاق کار سختی بود، اما سرانجام راضی شدند و برای اولین بار از جدایی یک نفر خوشحال شدم زیرا آن زندگی آینده‌ای نداشت. پس از جدایی، این دختر دوباره شروع به تحصیل کرد و راضی بود.»

✚ روح قوی جسم ضعیف را به دنبال خودش می‌کشد

علاوه بر این، گاهی به عنوان مبلغ به سفر هم می‌رود و سختی‌های زیادی را متحمل می‌شود. او تا به حال به عراق، خواف، گلپه‌ار و روستاهای مختلف زیادی در مناطق محروم برای تبلیغ دین و مشاوره رفته است. «بیشترین زمانی که تا به حال از خانواده‌ام دور بوده‌ام ۱۶ روز در سفر به عراق بود که برای تبلیغ رفته بودیم. از یک طرف، بار کمی با خود می‌بردیم که بتوانیم پیاده راه برویم و از طرف دیگر، من آسم داشتم و نمی‌توانستم خیلی بار حمل کنم. هوا هم خیلی سرد بود و در برابر سرما مقاومت کمی دارم. جمعیت خیلی زیاد بود. آب پیدا نمی‌شد. به یاد دارم در موکب‌ها

آن قدر جمعیت بود که نمی‌توانستیم موقع خواب از این پهلوی به آن پهلوی شویم. در این شرایط، بیمار شدم و فکر می‌کردم دیگر نمی‌توانم گروه را همراهی کنم، اما بعد از چند روز رسیدگی در شرایط مناسب، حالم بهتر شد. از آن سفر که برگشتیم، همه جا یخ‌بندان بود. وقتی به مشهد رسیدیم و می‌خواستیم از اتوبوس پیاده شویم، پله آن یخ زده بود و به شدت زمین خوردم. آنجا کمرم آسیب دید و هنوز هم رگه‌هایی از آن آسیب با من هست.»

رضایی با وجود همه این سختی‌ها، باز حاضر می‌شود که به چنین سفرهایی برود زیرا از نظر او کاری که برای خدا انجام می‌شود سختی‌هایش هم شیرین است. «شهید مطهری گفته است اگر روح قوی باشد، جسم ضعیف را به دنبال خود می‌کشد. من هم آرزو دارم روزی که عمرم تمام می‌شود با استراحت از دنیا نروم، بلکه شهید شوم.»

این را که ذهن رضایی و سایر اعضای این گروه پیوسته در گیر و دار دغدغه‌های زندانیان و خانواده‌هایشان است نمی‌شود کتمان کرد. او معتقد است انسان نمی‌تواند با وجود اینکه می‌داند خانواده دیگری گرسنه است، راحت غذا بخورد یا اگر از درد هم‌نوع خود باخبر است، امکان ندارد که بتواند راحت به خواب برود. «اما من این موضوع را نعمتی برای خودم محسوب می‌کنم. البته از خدا می‌خواهم نه به آن شدت به من فراموشی بدهد که یادم برود به دیگران چه می‌گذرد و نه آن قدر من را درگیر این مسائل کند که از راه درست بازمانم.»

✚ دعای خیر بعد از خوشحالی محرومان

او بارها برکت و دعای خیر افرادی را که به آن‌ها خبر رسانده است در زندگی به چشم می‌بیند مانند همان مرتبه‌ای که نیمه‌شب برق خانه‌شان اتصال می‌کند، رضایی بیدار می‌شود و می‌توانند طی چند دقیقه خودشان را نجات بدهند. «من ۳ پسر دارم که آن زمان یکی از آن‌ها کوچک بود و دیگری را باردار بودم. وقتی خانه را تخلیه کردیم، دیدم فقط شعله‌های آتش در حال زبانه کشیدن است. خانه و وسایلمان از بین رفت، اما خودمان حتی یک خراش برنداشتیم. آتش‌نشانان می‌گفتند تا به حال موردی نداشته‌اند که از چنین اتفاقی جان سالم به در ببرند. من به دعای محرومان زمانی که خوشحال می‌شوند اعتقاد دارم.»

به گفته رضایی، زمانی که آن‌ها در زندان مدتی با مددجویی صحبت می‌کنند و تغییر رفتار، تفکر و نیز اعتقادات را در او می‌بینند، شادی‌ای در دل آن‌ها جوانه می‌زند که از زمین تا آسمان با شادی‌های مقطعی تفاوت دارد. حال خوبشان مستدام!

شهربانو

۲۳ شهریور
۲۴ خرداد ۱۴۰۰
۲۳ دی‌ماه ۱۳۴۲ شماره ۳۴۰۸

(۵)

گروه بانوان «مطاف عشق» تلاش دارد با مشاوره، مددکاری و کارآفرینی زندگی زنان زندانی را تغییر دهد.

